

گزارش تاریخی

۸۰۰ سال همزیستی با فاضلاب!

رودسری | در مطالعات مربوط به تاریخ پس از اسلام، قرن‌های سوم تا پنجم هجری، به عنوان دوران عصر طلایی تمدن اسلامی شناخته می‌شود؛ دورانی که در آن، مسلمانان توانستند با اتکا به آموزه‌های اسلام و تلاش و کوشش مجدّانه، به دستاوردهای علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بزرگی دست پیدا کنند. آنچه به نام تمدن اسلامی و پیشرفت علمی مسلمانان می‌شناسیم، در این دوره به اوج خود رسید و دست‌کم تا سه قرن بعد، با فراز و فرودهایی، ادامه یافت. هرچند هجوم مغولان، به یک‌باره آفتاب این تمدن را به غروب نزدیک کرد، اما اصالت و صلابت آن، مانع از نابودی اش شد و میراث آن عصر طلایی، هرچند در قالب کتاب‌ها و نوشته‌ها، به عصر حاضر و نسل کنونی انتقال یافت. اما بحث ما در این نوشتار، بررسی دستاوردهای این تمدن بزرگ نیست؛ بلکه می‌خواهیم کسانی را که گاه فرهنگ و اصالت ما را به استهزا می‌گیرند و دنیا را دهکده‌ای جهانی، با کدخدایی خودشان می‌پندارند، بهتر بشناسیم و به حکم مصرع دلنشین شعری از ملک‌الشعرا می‌نهار که می‌گوید «سوابق است که هر عمر را نظام دهد»، با سابقه و تاریخ اجتماعی اروپایی‌های پرنخوت، هم‌زمان با عصر طلایی تمدن اسلامی، بیشتر آشنا شویم.

سیستم دفع فاضلاب

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختار بهداشتی در جوامع مسلمان، استفاده از سیستم صحیح دفع فاضلاب و ایجاد سرویس‌های بهداشتی مناسب در تمام منازل، حتی در دورافتاده‌ترین روستاهاست. اما جالب است بدانید در اروپا قرون وسطا، اصولاً احداث ساختمانی با عنوان سرویس بهداشتی، محلی از اعراب نداشت! تنها در خانه‌های اشراف و کاخ‌های سلطنتی می‌شد یکی دو تا توالت پیدا کرد. ویل دورانت در کتاب «تاریخ تمدن» می‌نویسد:

«صومعه‌ها، دژهای فتودال و خانه‌های اغنیا دارای مستراح‌هایی بودند وصل به چاه مستراح، لکن اکثر خانه‌ها برای این کار محلی در حیاط سرطوبله داشتند و در مواردی، یکی از این مستراح‌های طبیعی، مورد استفاده ده، دوازده خانه بود!]] مسئله سرویس بهداشتی و دفع صحیح فضولات انسانی، به این موارد ختم نمی‌شد؛ در پاریس که در قرن ۱۷ میلادی، آن را عروس شهرهای اروپایی می‌نامیدند، تا سال ۱۳۰۰ میلادی، مستراح هنوز جزو وسایل لوکس محسوب می‌شد. فرانسوی‌ها در کاسه‌هایی ادرار می‌کردند و آن را لب پنجره خانه می‌گذاشتند تا بوی وحشتناکش، آزارشان ندهد. گاهی این کاسه‌ها از فراز طبقه دوم، روی سر عابران می‌ریخت و دستمایه خنده و مسخره‌بازی اهالی محل می‌شد. ویل دورانت تصریح می‌کند پارسی‌ها عادت داشتند محتویات کاسه را بدون نگاه کردن به اطراف، به فضای کوچه بپاشند و فقط داد بزنند: «خیس نشوی!» نشانه‌هایی از این رفتار مبتذل را حتی می‌توان در آثار مولیر، نمایشنامه‌نویس معروف نیز دید. تا اواخر قرن ۱۳ میلادی، اروپایی‌ها اصلاً چیزی به نام توالت عمومی را نمی‌شناختند و اصولاً این مکان‌ها، در زمهر اماکن تجملی محسوب می‌شد. این در حالی بود که در همان زمان، در سرزمین‌های اسلامی تقریباً همه مساجد به آبریزگاه مجهز بودند. وضع در اروپا آن قدر دهشتناک بود که بوی گند فضولات انسانی، فضای شهرهای بزرگ اروپا را پر می‌کرد. سفرنامه‌نویسان مسلمان که در این دوره به اروپا رفته بودند، از بوی تعفن و جوی‌های ملو از فضولات انسانی در شهرهای اروپایی، شکایت کردند. آلبر ماله در کتاب تاریخ قرون وسطا می‌نویسد: «آلودگی کوچه‌ها موجب انتشار سریع ناخوشی می‌گردید. همین‌که هوای گرم می‌شد، بوی عفونت همه جا را می‌گرفت؛ چنان‌که روزی فیلیپ اگوست به هوای نسیم در کنار پنجره قصر خود نشستسته بود که اراپهای

از میان لجن گذر کرد و چنان عفونتی برخاست که حالت غش به فیلیپ دست داد!]] کلیسا که دائماً موضوع ترک دنیا را به پیروانش آموزش می‌داد، در به وجود آمدن این وضعیت نقش داشت؛ در آموزه‌های کشیش‌ها، طهارت و حمام رفتن، نوعی توجه به دنیا محسوب می‌شد و آن‌ها، عموماً مردم را به دوری از این رویه دعوت می‌کردند. به این ترتیب، مردم اروپا، هم‌زمان با دوران طلایی تمدن اسلامی، با فاضلاب‌های متعفن، همزیست و همسایه بودند و اثری از توجه به نظافت در میان آن‌ها به چشم نمی‌خورد؛ تا جایی که وقتی در سال ۱۵۳۱ میلادی، دولت فرانسه برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های مسری، از مردم پاریس خواست که در خانه‌هایشان مستراح بسازند، هیچ کس قبول نکرد! این رویه موجب شیوع بیماری‌های واگیر می‌مانند وبا، طاعون و جذام می‌شد و هر ساله هزاران اروپایی را به کام مرگ می‌فرستاد.

حمام، بی‌حمام!

در قرون وسطا، خبری از حمام‌های بخار دوره رومی‌ها نبود. آن‌ها حمام رفتن را بچه‌بازی و اقدامی مخصوص مسلمانان می‌دانستند. حتی دادگاه‌های تفتیش عقاید، برخی افراد را به واسطه تمایل به تمیزی و علاقه به استحمام، مجرم شناختند و سوزاندند! گوئی در میان این قوم، مفهومی به نام پاکیزگی وجود نداشت. رابرت ماسی، نویسنده کتاب «پیتر کبیر» درباره حمام رفتن اروپایی‌ها، روایت‌های مضحک و قابل تأملی نقل می‌کند، وی می‌نویسد: «پاریسی‌ها تا قبل از ورود سفیر ایران عصر صفوی (محمدرضا بیگ) به پایتخت فرانسه، حمام نمی‌رفتند و برای رفع بوی بد، به حد افراط از عطر و ادکلن استفاده می‌کردند؛ در حالی که فرانسه یکی از پُرآب‌ترین کشورهای اروپای غربی است... به همین دلیل است که عطر و ادکلن فرانسه در تمام دنیا مشهور است!» حمام رفتن، موجب بروز بیماری‌های جلدی و رواج شپش در میان مردم بود. حتی شاهان اروپایی هم افرادی را برای کشتن شپش‌های سرشان در اختیار داشتند. آب‌های آلوده، بلائی جان مردم می‌شد؛ کسی عادت به نوشیدن آب سالم نداشت. صبح‌گاه، وقتی از خواب برمی‌خاستند، همه اهالی منزل داخل یک ظرف سر و صورتشان را می‌شستند؛ منظره چنین اقدامی آن قدر چندش‌آور است که از توصیف آن معذوریم؛ این در حالی است که در سراسر جهان اسلام، محروم‌ترین روستاها، مجهز به حمام‌هایی برای پاکیزه کردن تن بوده و هستند و دستورات‌العمل‌های اسلامی، مسلمانان را به صورت جدی، به پاکیزگی و استحمام موظف کرده است. وضعیتی که به آن اشاره کردیم، طی ۸۰۰ سال از هزار سال دوره قرون وسطا، بین سال‌های ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی، در اروپا وجود داشت.

دولت نوآینان رودسری | گفت‌وگوهای میان رژیم صهیونیستی و دولت لبنان در هفته‌های اخیر از اخبار داغ رسانه‌های جهان بوده است. آمریکایی‌ها که نقش واسطه را در این مذاکرات بازی می‌کنند، ادعا دارند تلاش آن‌ها در این زمینه با هدف تأمین آنچه امنیت رژیم صهیونیستی می‌نامند، صورت می‌گیرد؛ امنیتی که مدعی هستند به دلیل فعالیت جریان مقاومت در لبنان، به خطر افتاده است. این در حالی است که بسیاری از سیاستمداران جهان عرب، همسو با خواست آمریکا و بی‌توجه به پیشینه رژیم صهیونیستی در هجوم به سرزمین‌های اطرافش، چنین اقدامی را مثبت تلقی می‌کنند و در اظهارنظرهایی سخیف به محکومیت جریان مقاومت می‌پردازند و آن را مانع ایجاد صلح و آرامش در منطقه معرفی می‌کنند.

رژیم اشغالگر قدس، طی ۷۸ سال گذشته، با تمام همسایگان و برخی کشورهای غیرمحمود خود وارد جنگ‌های خونین شده است؛ این رویکرد، از منظر تاریخی، ریشه در بحران مشروعیتی دارد که صهیونیست‌ها هیچ‌گاه قادر به پنهان کردن آن نشدند. امروزه هیچ عقل سلیمی در غاصب بودن رژیم صهیونیستی تردید نمی‌کند. این غصب آشکار، البته براساس هنجارها و الگوهای اروپایی قرن نوزدهم میلادی انجام گرفت که مبتنی بر رویکردها و اندیشه‌های صدرصد استعماری بود. تئودور هرتزل، نویسنده کتاب «ملت یهود» و بنیان‌گذار «صهیونیسم سیاسی»، برای تأیید طرح ایجاد دولت جعلی یهود، نه به سراغ خاخام‌های یهودی رفت و نه انتخابات و همه‌پرسی در میان اقلیت‌های یهودی کشورهای جهان (موسوم به دیاسپورا) برگزار کرد، او هر آنچه را در ذهن داشت، برای «سیسیل رود» معمار استعمار انگلیس در قاره آفریقا نوشت و ارسال کرد و در نامه‌ای مفصل به وی، دلیل این اقدام را «کاملاً استعماری بودن طرح» خود دانست.

بنابراین، پیدایش رژیم صهیونیستی، عملاً بر بستر اندیشه‌های استعماری رقم خورد و به همین دلیل، در ایدئولوژی سیاسی صهیونیست‌ها چیزی به نام پاسخ‌گویی به دلیل تجاوز، غارت، کشتار و اشغال نسبت به دیگر اقوام وجود ندارد. رژیم صهیونیستی برای خود مرز جغرافیایی تعریف نکرده و فاقد قانون اساسی است! صهیونیست‌ها بدون تردید - چیزی را که بتوانند با جنگ بدست بیاورند، با مذاکره مطالبه نمی‌کنند. آن‌ها نشان داده‌اند گزینه نخستشان برای حل مسائل پیش‌رو، همواره جنگ و کشتار بوده است.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

آیا از منظر تاریخی، صهیونیست‌ها واقعاً به دنبال صلح با لبنان هستند؟ گذر از «سودای تسخیر» به «تضمین امنیت»



تل‌آویو همچنان به این اصل مهم پایبند است که حمله نظامی و وحشی‌گری، بهترین گزینه برای رسیدن به اهداف مورد نظر محسوب می‌شود؛ رژیم صهیونیستی همچنان به دنبال فرصتی برای رسیدن به اهداف منطقه‌ای خود از طریق هجوم و تحرکات نظامی است

امام موسی صدر، هرگز به پایان نرسید و همچون استخوان لای زخم باقی ماند.

صهیونیست‌ها نام عملیاتی را که برای تسخیر لبنان آغاز کردند، «صلح برای جلیله» گذاشته بودند؛ تل‌آویو در ژوئن ۱۹۸۲ میلادی هم، مسئله امنیت را علت تهاجم خود مطرح می‌کرد. صهیونیست‌ها مدعی بودند «ساف» (سازمان آزادیبخش فلسطین) سفیر آن‌ها را در لندن ترور کرده است و به همین دلیل، باید نیروهایش را از جنوب لبنان خارج کند. اما بخش عمده‌ای از ساکنان این منطقه، اصولاً ارتباطی با ساف نداشتند.

صهیونیست‌ها در جنوب لبنان، شامل شیعیان لبنانی و آوارگان فلسطینی (عموماً زن، کودک و سالخورده) می‌شد. اشغال جنوب لبنان و رسیدن پای نظامیان صهیونیست به حومه شهر بیروت، وضعیت را بغرنج کرد.

این آغاز اشغالی ۱۷ ساله بود که با قربانی کردن صدها انسان بی‌گناه در اردوگاه‌های صبرا و شیتلا آغاز شد؛ کشتارهای وحشیانه‌ای که با هدایت سرهنگ آریل شارون (نخست‌وزیر بعدی رژیم صهیونیستی و هم‌حزبی نتانیا‌هو) و توسط شبه‌نظامیان وابسته به تل‌آویو، «فالاتزها» به انجام رسید و انتشار تصاویر آن، دنیا را تکان داد. رژیم صهیونیستی به بهانه حفظ امنیت خود، ادعای ایجاد منطقه حائل در جنوب لبنان را مطرح کرد و به این ترتیب، این ناحیه را مانند بلندی‌های جولان در جنوب غربی سوریه، تحت سیطره خود گرفت. به این ترتیب دورانی شروع شد که در آن، صهیونیست‌ها، مطابق با اصلی که درباره آن صحبت کردیم، ابداً تمایلی به مذاکره و گفت‌وگو برای حل اختلافات نداشتند.

در همان حال، نزاع‌های طایفه‌ای در لبنان هم شدت یافت و کشور در پرنگاه سقوط قرار گرفت. گزارش‌های متعددی درباره نقش رژیم صهیونیستی در دامن زدن به این بحران‌ها وجود دارد که برخی از آن‌ها رسانه‌ای شده‌اند.

نیویورک تایمز در همان ابتدای هجوم رژیم به جنوب لبنان، گزارش مفصلی منتشر کرد و از حمایت اطلاعاتی و تسلیحاتی صهیونیست‌ها از گروه «کتابت» (فالاتزها) پرده برداشت. با این حال، تل‌آویو به این افشاگری‌ها وقتی نمی‌گذشت، چون خود را قدرتمند می‌دانست و در ضمن مطمئن بود که این روایت‌ها تأثیری بر حمایت آمریکا و اروپا از رژیم صهیونیستی ندارد. اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، صهیونیست‌ها با تشکیل «ارتش جنوب لبنان» به فرماندهی «سعد حداد» و بعدها «انتوان لحد»، درواقع ارتشی نیابتی به وجود آوردند که به جای نظامیان صهیونیست، دست به کشتار می‌زد.

در تمام این مدت، تلاش‌های برخی محافل بین‌المللی راه به جایی نبرد و آمریکایی‌ها نیز، حدود ۲۰ بار از حق وتو خود برای صدور قطعنامه علیه رژیم اشغالگر قدس در شورای امنیت استفاده کردند تا اصولاً رفتارهای وحشیانه و استعمارگرانه رژیم، حتی قابلیت تحت تعقیب قرار گرفتن صورتی را هم نداشته باشد.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

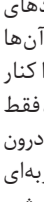
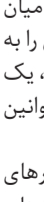
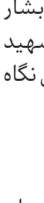
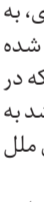
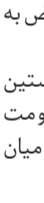
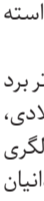
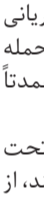
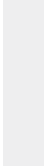
«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

صهیونیست‌ها در جنوب لبنان پیشروی می‌کنند. ۱۹۸۲ میلادی



«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده از آبروی اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش